

نصایح بی حاصل وزیر فرهنگ

۲۹ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۸

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه تزاری و از بین رفتن سلسله رومانوف‌ها و اعدام خانواده سلطنتی و تشکیل دولت اتحاد جماهیر شوروی در آن کشور، دولت جدید به ریاست لنین به تبلیغ مرام اشتراکی (کمونیستی) پرداخت و بعضی از افراد کشورهای همسایه روسیه را تحت تأثیر مرام و مسلک خود قرار دادند، منجمله در ایران عده‌ای به بلشویک‌ها گرویدند

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه تزاری و از بین رفتن سلسله رومانوف‌ها و اعدام خانواده سلطنتی و تشکیل دولت اتحاد جماهیر شوروی در آن کشور، دولت جدید به ریاست لنین به تبلیغ مرام اشتراکی (کمونیستی) پرداخت و بعضی از افراد کشورهای همسایه روسیه را تحت تأثیر مرام و مسلک خود قرار دادند، منجمله در ایران عده‌ای به بلشویک‌ها گرویدند که معروف‌ترین آنها احسان الله خان است که مردی انقلابی و دارای افکاری تند بود و قبلاً هم در کمیته مجازات که عده‌ای را ترور کرده بودند عضویت داشت. علم تبلیغ مرام اشتراکی را در گیلان بدوش کشید و به انقلاب گیلان که تحت رهبری میرزا کوچک خان اداره می‌شد پیوست، ولی چون میرزا کوچک خان را که مردی مسلمان و مذهبی بود نتوانست با خود موافق کند لاجرم بین آنها اختلاف شدیدی بروز کرد و پس از مدتی بالاخره احسان‌الله خان به روسیه فرار کرد و در همانجا هم سکنی گزید که خود داستان مفصلی دارد.

در آذربایجان نیز ابوالقاسم لاهوتی که افسر ژاندارمری بود تحت تأثیر افکار کمونیستی قرار گرفت و دست به کودتائی زد که موفق نشد و ناکام ماند که در این دوره تاریخ شرح آن داده شده است. لاهوتی هم با چند نفر از همفکران خود به روسیه فرار کرد و تا آخر عمر در آن کشور بسر برد.

بعدها هم اگر اشخاصی در ایران دارای مرام و افکار اشتراکی بودند در پس پرده استتار بوده و تشکیلات و شبکه‌ای نداشتند تا آنکه دسته پنجاه و سه نفری به وجود آمد.

در رأس این دسته دکتر ارانی بود که معلم فیزیک مدارس متوسط بود. این عده طبق قانون مقدمین امنیت که شرح آن در این دوره تاریخ داده شده محاکمه و همگی به حبس محکوم گردیدند و تا شهریور ۱۳۲۰ زندانی و بعداً آزاد شدند. اما خود دکتر ارانی در زندان به مرض تیفوس مبتلا شد و از قراری که گفته‌اند معالجه این بیماری- چون هنوز داروهای آنتی‌بیوتیک کشف نشده بود- بسیار دشوار بود، مصرف داروهای قدیمی هم چون سرعت لازم برای معالجه را در بر نداشت مفید واقع نشد و وی در زندان در

پس از آزادی بقیه دسته پنجاه و سه نفری عده زیادی از آنان حزب توده را پی‌ریزی کردند که در حقیقت همان مرام کمونیسم را دارا بودند.

کشف دسته پنجاه و سه نفر هنگامی صورت گرفت که میرزا علی اصغر خان حکمت وزیر فرهنگ در متن جریان دستگیری آنان بوده است. وی در کتاب «سی‌خاطره» در خاطره ۱۷ خود شرح دستگیری و محاکمه آنان را برشته تحریر درآورده که در زیر عیناً قسمتی از آن نقل می‌گردد:

«در یکی از روزهای تابستان ۱۳۱۶ سرپاس مختاری رئیس شهربانی کل کشور با تلفن از من تقاضای ملاقات فوری کرد، نزدیک ظهر همان روز به وزارت معارف به نزد من آمد در حالی که پرونده قطوری در زیر بغل داشت.

بعد از مقدمات عنوان نمود: ۵۳ نفر که بیشتر از فارغ‌التحصیل‌های اعزامی دولت به خارجه هستند و به ایران برگشته‌اند مخفیانه جمعیتی تشکیل داده و به نشر مبانی کمونیسم مشغول بوده‌اند و افکار مخالف دولت دارند و «بلشویک» شده‌اند. پلیس از عملیات آن‌ها آگاه شده و پس از یک‌سال و نیم بازجویی و تحقیقات مقصر تشخیص داده شده و آنها را خائن به کشور خود دانسته است. این پرونده شامل گزارش‌های رسمی و استنطاقات آنهاست.

چون پرونده تکمیل شده مراتب به عرض رسیده امر فرموده‌اند که من پرونده را به وزیر معارف بدهم تا مطالعه نموده نظر خود را درباره مجازات آنها گزارش کند. پس از آن پرونده را که متجاوز از ۵۰۰ برگ بود به من تحویل داد و قرار شد که یک هفته فرصت بدهد تا آنها را مطالعه کرده نظر خود را عرض کنم.

در سر هفته سرپاس نزد من آمد و نتیجه را سؤال کرد و پرونده را تحویل گرفت.

من گفتم: آنچه از این پرونده که به دقت خوانده‌ام و با قوانین و مقررات وزارت معارف تطبیق کردم معلوم شد که در باب محکومیت و اثبات تقصیر و احیاناً مجازات آنها حق اظهار نظر ندارم چرا که بعضی از آنان دانشجویانی بوده‌اند که هر یک کارنامه تحصیلی و کارت درسی دارند و امتحانات خود را طبق قاعده انجام داده و از مدارس عالی‌اروپا بیشتر فرانسه و بعد آلمان و دیگر ممالک پایان‌نامه گرفته و به ایران بازگشته و مردمانی آزاد و مستقل شده و از تحت سلطه و قدرت معارف خارج هستند و بعضی دیگر هم که در ایران بوده و از طبقات مختلفه اجتماع هستند به طریق اولی وزارت معارف از آنها سابقه ندارد و این تقصیراتی که به آنان نسبت داده‌اند مربوط به زمان بعد از دوره دانش‌آموزی آنهاست که شخصیت آزاد و مستقلاً حاصل کرده‌اند باید رسیدگی به احوال و اثبات جرم و تعیین مجازات آنها در محاکم دادگستری انجام گیرد و به موجب قانون وزیر معارف درباره آنها تکلیفی ندارد. خواهش کردم عرایض مرا به پیشگاه همایونی عرض کند. هرچه امر فرمودند اطاعت خواهد شد.

رئیس شهربانی پرونده را گرفت و چون خواست برود او را به کناری برده باو گفتم: اجازه بدهید که یک مطلب خصوصی و بکلی غیررسمی به شما عرض کنم و با اطمینان به شرافت و درستی شما آزادانه و صریحاً مطلب خود را بگویم. سرپاس تقاضای بنده را به سمع قبول شنید و گوش داد...

گفتم خداوند متعال شاهد است که در این باره جز صداقت و وظیفه شناسی محرک من نیست تکلیف وجدانی خود را در پیشگاه خداوند ادا می‌کنم...

آنچه که برای من در ضمن مطالعه تاریخ سیاسی ممالک جهان ثابت و محقق شده غالباً مراکز قدرت و سلاطین بزرگ و امپراطوری‌های مقتدر مراقبت و جلوگیری از مخالفان خود را به پلیس واگذاشته‌اند و دستگاه پلیسی را محل اعتماد و وثوق خود قرار داده‌اند.

اما پلیس گاهی یا از ترس و بیم یا برای حفظ موقعیت خود یا به امید جلب خاطر و کسب رضایت آن‌ها از حد طبیعی خود خارج شده و به کارها با چشم دیگری نظر کرده یا حقیقت را نگفته‌اند و یا گاهی را کوه جلوه داده‌اند از این جهت پیوسته ما بین دولت و ملت ایجاد فاصله کرده‌اند.

چون به تدریج بر تشدید و سخت‌گیری قوه حاکمه افزوده می‌شده این فاصله روز به روز زیادتر و عمیق‌تر شده و عاقبت به شکاف و جدایی بزرگی منتهی شده و بالاخره اوضاع سیاسی را در کشور به ضرر پادشاهان رسانیده و انقلابات و شورش‌ها در ممالک دنیا به ظهور رسیده که منجر به سقوط امپراطوری‌های بزرگ شده است.

اکنون اگر نسبت به این ۵۳ نفر متهم به خرابکاری از حق واقع تجاوز کنیم و قضیه را بزرگ جلوه دهیم بی‌گناهی را گناهکار نمائیم و یا از جرم کوچکی جنایت بزرگی بسازیم برخلاف وظیفه وفاداری و صمیمیت خود به پادشاه معظم خود رفتار کرده‌ایم و خودمان باعث و مسبب انقلاب و آشفتگی افکار و توسعه سرکشی و طغیان شده‌ایم. نظر به تاریخ کنید که اگر پلیس فرانسه در اواخر عهد سلاطین بوربن و لوئی‌ها شدت عمل به کار نمی‌برد و از کمال قساوت مردم آن کشور را در زیر فشار نمی‌گذاشت هر آینه انقلاب تاریخی فرانسه که عالم را منقلب ساخت روی نمی‌داد.

از تاریخ بگذریم ما در عمر خودمان ناظر و شاهد سقوط و زوال دو رژیم بسیار بزرگ بودیم که به‌خوبی از آن خبر داریم: یکی دولت تزارهای روسیه در پترزبورگ و دیگری دربار خلفای عثمانی در استانبول. به‌طور قطع ثابت شده که عامل مهم زوال آن‌ها متصدیان ادارات استحفاظی و امنیتی بوده‌اند که عاقبت کار هر دو رژیم به نتایج مرگ‌بار انجامید.

آقای رئیس شهربانی! اجازه دهید برای شما یک حکایت و واقعه تاریخی حقیقی را عرض کنم که هم درس عبرت است و هم باعث

تفریح- در کتاب «تاریخ انقراض خلافت عثمانی» خوانده‌ام که دستگاه پلیس در زمان سلطنت عبدالحمیدخان دوم به قدری شدیدالعمل بود که از فرط خوش خدمتی کارهای عجیب می‌کرد، از جمله حکایت یک جوان محصل ارمنی را که حقیقتاً واقع شده بود ذکر می‌کند.

این جوان در موقع ورود به استانبول محل تحقیق و تفتیش مأمورین پلیس قرار گرفت. یکی از کارشناسان کتاب‌های درسی او را بازجوئی می‌کرد اتفاقاً یک کتاب شیمی به دست او رسید چون آن را باز کرد در سر صفحه‌ای این فرمول شیمیائی معروف آب به چشم او آمد که عبارت است از (یعنی دو جزء هیدروژن و یک جزء اکسیژن) این فرمول جلب نظر آقای کارشناس را کرده و از فرط سوءظن آن را رمز و علامت سوء قصد نسبت به جان سلطان دانست زیرا را حمید دوم و O یا صفر را علامت نابودی تصور کرد و دربارهٔ جوان بیچاره بدگمان شده او را متهم به سوءقصد کرده به حبس انداختند.

مختاری در برابر سخنان صمیمانه من متفکر شده همین قدر گفت: «ولی این‌ها به جرم خود اعتراف کرده‌اند و دولت باید آن‌ها را مجازات کند والا رشتهٔ انتظامات گسیخته خواهد شد.»

گفتم آقای رئیس فکر نمی‌کنید در میان این عده یک یا چند نفر بی‌گناه باشند و یا در اثر جوانی و نادانی فریب خورده باشند؟ فکر نمی‌کنید که آنها هرکدام عائله و خانواده دارند و در حقیقت جمع کثیری از بستگان آن‌ها آزرده خاطر می‌شوند و با این عمل بر عدهٔ مخالفین خواهیم افزود.

بالاخره بعد از ساعتی که صحبت ما ادامه داشت پرونده را گرفته وداع کرده و رفت. دیگر من از آن کار اطلاع حاصل نکردم. بعدها افواهاً شنیدم که پرونده را به وزیر عدلیهٔ وقت رجوع کرده‌اند و او برای محاکمهٔ آنها دادگاهی تشکیل داده است...

در یکی از روزهای بهار ۱۳۱۷ بار دیگر با مختاری مصادف شدم و جایی که ایستاده بودیم در غرفه فرآورده‌های کشاورزی ایران بود و ما از فاصله چند متر دورتر از شاهنشاه قرار داشتیم. او آهسته به من گفت «فلانی؛ خبرداری که محاکمهٔ آن ۵۳ نفر تمام شد و به حبس‌های مختلف محکوم شده‌اند؟» من گفتم آخر عرائض صادقانهٔ مرا نشنیدید و این جوان‌ها را بدبخت کردید...

تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، نشر ناشر، ۱۳۶۲، ج ۶ ص ۳۷۰ تا ۳۷۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۹۳۲۵/فرهنگ-وزیر-حاصل-چپ-نصایح/۲۹۳۲۵>